

۱ به‌عنوان پرسش نخست، بحث‌رابایک محور کلی آغاز می‌کنم. در ذهن افکار عمومی، چه به دلیل فضاسازی‌ها و امواج رسانه‌ای علیه این نهاد و چه به دلایل دیگر، شاید تصویر و تعریف دقیق و درستی از ساترا شکل نگرفته باشد. می‌خواستم در خصوص مأموریت‌های محوله و فلسفه وجودی و شکل‌گیری این سازمان توضیحاتی ارائه‌کنید.

این موج‌ها الزاماً موج‌های منفی نیستند و خیلی از رسانه‌ها هستند که دیدگاه مثبتی دارند. برای سازمانی مانند ساترا که وظیفه تنظیم‌گری را بر عهده دارد و با گستره وسیعی از محتواها در حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی سروکار دارد، وجود چنین نگاه‌هایی کاملاً طبیعی است. به این معنا که برخی از ذی‌نفعان این عرصه ممکن است نسبت به پاره‌ای از سیاست‌ها و عملکردها، دیدگاهی داشته

باشند که لزوماً بر دیدگاه و چارچوب‌های ما منطبق نباشد.

اساساً ذات مقوله تنظیم‌گری اگر به‌طور دقیق، مستدل و روشن تبیین شود و به‌ویژه برای افکار عمومی جا بیفتد، بسیاری از این ابهامات مرتفع خواهد شد؛ چراکه فعالان این صنعت با مباحث آن آشنایی دارند. اکنون حدود ۱۱ سال از طرح موضوع صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی در کشور سبری می‌شود؛ چراکه پیشینه نهادی و اداری آن در سازمان صداوسیما به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ بازمی‌گردد و در میان اهالی این حوزه، بسیاری از ابعاد موضوع روشن و مشخص است.

با این حال، بخشی از تفاوت‌ها در درک، شناخت و

قضاوت نسبت به کارکرد این نهاد، ناشی از نقصی است که در شناخت مفهوم تنظیم‌گری وجود دارد؛ مفهومی که البته مصداق و نمونه‌های فراوانی در ساختار کشور دارد و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های متعددی اساساً در حوزه تنظیم‌گری فعالیت می‌کنند. اگر این مفهوم به‌درستی شناخته شود، مفهومی که در سطح جهان نیز کاملاً جا افتاده، علمی و شناخته‌شده است. به باور من، این دست‌از اختلافات و سوء تفاهم‌ها کاهش خواهد یافت.

از نتایج و دستاوردهای مثبت چنین شناختی این خواهد بود که حرکت در مسیر قوانین و مقررات رسمی کشور در حوزه تنظیم‌گری، به امری بدیهی و جاری بدل می‌شود؛ مشابه مقررات راهنمایی و رانندگی که درواقع وظیفه تنظیم‌گری را در حوزه حمل‌ونقل بر عهده دارد. در آن حوزه نیز ممکن است تخلفی رخ دهد و پیامدها و اعمال مقررات ناشی از آن تخلف برای فرد متخلف خوشایند نباشد اما آن قاعده، قانون و مقرره، حاصل یک فهم مشترک و در حقیقت یک ميثاق عمومی است. کارکرد حوزه تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر نیز دقیقاً از چنین ماهیتی برخوردار است.

۴ شما بر مقوله تسهیلگری نیز تأکید کردید. همچنین در حکم ریاست سازمان برای جناب‌عالی، علاوه بر نظارت، بر دو رکن هدایت و حمایت نیز تصریح شده است. اگر ممکن است درباره تسهیلگری و این رویکرد دوگانه هدایتی و حمایتی توضیحاتی بفرمایید؛ این که این

رویکرد حمایتی در عمل چگونه پیاده‌سازی شده و در آینده چگونه قرار است اجرا شود؟

ببینید، اساساً نهاد‌های تنظیم‌گر در کشور اضلاع متعددی را نمایندگی می‌کنند و تعیین و ایفای نقشی که بر عهده دارند، دقیقاً در گرانگاه و نقطه تلاقی این اضلاع معنا پیدا می‌کند. یک ضلع، مرتبط با حاکمیت، قوانین و اسناد بالادستی است؛ یعنی همان چارچوبی که برای حکمرانی در کشور تدوین شده و همگان ملزم به تبعیت از آن هستند. این ضلع، قوانین، مقررات و اسناد بالادستی را در بر می‌گیرد.

ضلع دیگر که بسیار واجد اهمیت است، مردم هستند. تمام رویدادهایی که در عرصه حکمرانی رخ می‌دهد، در نهایت برای صیانت از حقوق عامه مردم است. نباید فراموش کنیم که غایت و فلسفه وجودی حوزه تنظیم‌گری، برقراری نظم عمومی و حفظ حقوق عامه است. برای نمونه، فرض بفرمایید وزارت بهداشت اعلام می‌کند تعرفه فلان خدمت در درون فلان رقم است؛ این اقدام مستقیماً برای حفظ منافع عمومی صورت می‌گیرد.



امیرحسین جیدری
چابم‌آنتلین

تحولات شتابان رسانه‌ای در سال‌های اخیر، مرزهای سنتی میان رسانه، فناوری، اقتصاد و فرهنگ را بیش از گذشته درنوردیده است. گسترش سکوهای نمایش خانگی، تغییر الگوی مصرف مخاطبان، ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و افزایش نقش بخش خصوصی در تولید و توزیع محتوا، ضرورت بازتعریف و تقویت سازوکارهای حکمرانی رسانه‌ای را بیش از پیش آشکار کرده است. در چنین شرایطی، تنظیم‌گری دیگر صرفاً به معنای اعمال محدودیت یا نظارت بر محتوا نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌ها و سازوکارهایی است که می‌تواند همزمان از حقوق مخاطب صیانت کند، مسیر فعالیت فعالان رسانه‌ای را تسهیل کرده و به توسعه و پویایی این زیست‌بوم یاری برساند. از سوی دیگر، روشن بودن حدود مسئولیت دستگاه‌های مختلف فرهنگی و رسانه‌ای و حرکت همه نهادها در چارچوب قوانین و اسناد بالادستی، یکی از پیش‌شرط‌های شکل‌گیری یک نظام منسجم در این حوزه به‌شمار می‌رود. در این میان، ساترا به‌عنوان نهادی تنظیم‌گر، در سال‌های اخیر در کانون بسیاری از مباحث مربوط به آینده رسانه قرار داشته است. درباره فلسفه تنظیم‌گری، حقوق کاربران، نسبت ساترا با سایر دستگاه‌های فرهنگی، چالش‌های پیش‌رو و برنامه این سازمان برای آینده با دکتر جواد رمضان‌نژاد، رئیس سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا)، گفت‌وگو کرد‌ه‌ایم.

در غیر این صورت، اگر قرار بود نهاد تنظیم‌گر تنها به یک سو تمایل داشته باشد و بگوید من صرفاً حافظ منافع فعال بازار هستم، باید منحصراً از کادر سلامت و درمان جانبداری می‌کرد اما در واقعیت چنین نیست؛ در عین حال که حقوق کادر درمان و فعالان این عرصه مد نظر قرار دارد، چراکه آنان فعالان بازار محسوب می‌شوند و حیات این فضا اساساً وابسته به فعالیت آنهاست ـ حقوق عامه مردم نیز حتماً و الزاماً باید لحاظ شود. بنابراین، اسناد بالادستی و حاکمیت یک ضلع، حقوق عامه مردم ضلع دیگر، و ضلع سوم بسیار مهم نیز فعالان بازار ذی‌نفعانی هستند که به‌عنوان تولیدکننده فعالیت‌کرده

و چرخه اقتصاد این فضا را به گردش درمی‌آورند.

در حقیقت، حوزه تنظیم‌گری نقطه تعادل این سه ضلع است. بخشی از وظایف به هریک از این اضلاع پیوند می‌خورد و نهاد تنظیم‌گر موظف به برقراری تعادل میان آنهاست. ما نیز همچون سایر نهاد‌های تنظیم‌گر، وظایف سه‌گانه حامی، هادی و ناظر خود را در نسبت بااین اضلاع تعریف می‌کنیم؛

بُعد حمایتی (حامی): ما حتماً باید از تولیدکننده‌ای که برای عامه مردم محتوای کیفی و مطلوب تولید می‌کند، حمایت کنیم. این حق طبیعی مردم است که محصولاتی در جهت افزایش آگاهی دریافت کنند؛ در معرض محتواهایی برای افزایش امید قرار گیرند و از نشاط عمومی و اجتماعی بهره‌مند شوند.

به‌ویژه در شرایطی که اوضاع جامعه در حوزه اقتصاد و سایر ابعاد دشوارتر می‌شود، این حق مخاطب است که رسانه پیش‌روی وی، نشاط، شادی و فرح بیشتری به مخاطبان ببخشد و بخش سرگرمی خانواده‌ها به بهترین شکل تأمین شود. این همان محوری است که ما حامی آن خواهیم بود و می‌توшим ظرفیت‌های جدیدی را در چارچوب قوانین ایجاد کرده تا نقش خود را به‌درستی ایفا کنیم.

بُعد هدایتگری (هادی): این بخش معطوف به اسناد بالادستی است. هر نظام حکمرانی در جهان دارای مختصات ویژه خود است و هدایت فضای عمومی جامعه نیز ذیل اسناد تمدنی، هویتی و فرهنگی همان کشور صورت می‌پذیرد.

بُعد نظارتی (ناظر): این بخش نیز بازمی‌گردد به آنچه در عمل تولید می‌شود و آنچه قرار است در این بستر به گردش درآید و در دسترس مخاطبان قرار گیرد. بنابراین، حمایت، هدایت و نظارت سه وجه بنیادینی هستند که تنظیم‌گری بر پایه آنها بنا نهاده شده است.

چالش بنیادین مادر فهم حوزه تنظیم‌گری در کشور این است که حتی در میان برخی از مدیران ارشد و در سطح پاره‌ای از سازمان‌ها و نهادها، تصویری ناقص حاکم است و تنظیم‌گری را صرفاً در مقوله نظارت خلاصه می‌بینند. این رویکرد، تعریفی کاملاً ناقص از تنظیم‌گری است.

هر سه وجهی که ذکر شد، به تمامی جزو قلمرو و ماهیت تنظیم‌گری هستند؛ از این رو، محدود کردن و تقلیل تنظیم‌گری صرفاً به بخش

نظارتی، برداشتی نادرست از این مفهوم است که ان شاءالله همگی باید تلاش کنیم تا معنای صحیح و جامع آن در جامعه و ساختارها به‌درستی تبیین و نهادینه شوند.

۱ درباره حقوق کاربران، به‌ویژه درباره کودکان همان‌طور که اشاره کردید، با یک رابطه دوطرفه مواجهیم؛ یعنی هرچه رده‌بندی سنی تعیین می‌شود، اما شاید این هنوز در بسیاری از خانواده‌ها جا نیفتاده باشد که مثلاً فلان سریال را کودکان نباید ببینند. آیا ساترا در زمینه این فرهنگ‌سازی و وظیفه‌ای برای خود قائل است؟

ما جلسات متعددی داریم، کارگروه‌هایی تشکیل داده‌ایم و ابلاغیه‌هایی به دستگاه‌ها ارسال می‌شود تا این موضوعات مدنظر قرار بگیرند. اساساً رده‌بندی سنی در کشور ما به فرهنگ‌سازی گسترده‌ای نیاز دارد تا به‌ویژه پدر و مادرها نسبت به این موضوع حساس شوند. شما در حال حاضر باید موضوع رده‌بندی را در سینمای ایران به‌شکل دقیق‌تری مشاهده کنید که اجرا بشود تا نتیجه‌اش در این حوزه

[نمایش خانگی] نیز حاصل گردد.

احیای حقوق خانواده‌ها

از منظر محتوایی و معنوی، خانواده اصیل و با فرهنگ ایرانی این حق مسلم را دارد محصول رسانه‌ای که شب‌ها در کنار یکدیگر به تماشای آن می‌نشینند، حداقل‌هایی از استانداردها و هنجارهای عمومی و اخلاقی را رعایت کرده باشد. این موضوع هیچ محدودیتی ندارد؛ برای این‌که خانواده در آرامش، کنار یکدیگر هم یک محصول فرهنگی را تماشا کنند، این اثر وارد سبد فرهنگی خانوار شود، و پدر و مادر برای تماشای محتوای رسانه‌ای در کنار فرزندان شان دغدغه و تشویشی نداشته باشند؛ این مسأله فوق‌العاده حائز اهمیت است. همچنین در حوزه محتوا، آنچه باعث قوام و تقویت شاخه‌های فرهنگ ایرانی و مؤلفه‌های تمدنی می‌شود، حق مردم است و باید رعایت شود. در نقطه مقابل، نسبت به آنچه موجب تشویش خاطر خانواده‌ها، اضطراب اجتماعی، ترویج خشونت یا ترویج سوء مصرف دخانیات و مواد مخدر می‌شود نیز توجه به حقوق خانواده‌ها الزامی است؛ بنابراین بحث محتوا به‌شدت در حوزه تنظیم‌گری و حقوق کاربران اهمیت دارد. موضوع بعدی، «بُعد اقتصادی» است. به هر حال، کاربر به‌عنوان فردی که مبلغی را پرداخت می‌کند تا از خدمات استفاده کند، خدماتی که امروزه به بخش سرگرمی در حوزه صوت و تصویر فراگیر بدل شده است. اگر پولی می‌پردازد، نحوه مصرف و تعامل او با سکویی (پلتفرمی) که

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛ ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

ما متأسفانه در بحث رده‌بندی، با تفاوت‌هایی در نحوه اعلام به مخاطب مواجهیم؛ یعنی همان اتفاقی که برای دوستان مادر سازمان سینمایی نیز رخ می‌دهد؛ بسیاری از این فیلم‌ها تبلیغ می‌شوند، اما آن فرهنگ جدی گرفتن رده‌بندی توسط خانواده‌ها هنوز ایجاد نشده است. خیلی وقت‌ها به این موضوع به‌عنوان یک کار اداری نگاه می‌کنیم، نه به‌عنوان یک کار مبنایی که باید برای خانواده‌ها جا بیفتد.

این مسأله زمانی مطرح است که شما از سالن سینما استفاده می‌کنید؛ اما در حوزه نمایش خانگی، دسترسی به محصول بسیار راحت‌تر و این دسترسی سهل و آسان، الزاماتی دارد که خانواده‌ها باید آن‌ها را جدی بگیرند. نتیجه مباحث کارشناسی و بررسی‌های دقیق این است که یک رده‌بندی مشخص، «خود تنظیم‌گری» است؛ یعنی وظیفه ماست آن را برای فعالان بازار جا بیندازیم تا خودشان هم نسبت به این موضوعات حساسیت داشته باشند و رعایت کنند. باید در نظر بگیریم که بالاخره خود تولیدکنندگان آثار نیز به جز مشوق‌های تصویری و درمانیکی که در کار می‌گذرانند تا بتوانند برداشت اقتصادی بیشتری داشته باشند خودشان هم خانواده دارند؛ باید ببینند آیا راضی می‌شوند فرزند یا نوه‌شان آن محصول را تماشا کند؟ آیا خودشان [تماشای آن را برای کودک] توصیه می‌کنند یا خیر؟ آنجا هم در واقع حوزه بسیار حساسی است که تنظیم‌گری به آن ورود کرده است؛ و البته فرهنگ‌سازی و رسیدن به ساختاری که لازم‌الاجرا باشد به‌ویژه از سمت خود خانواده‌ها و خود تولیدکنندگان حتماً زمان بیشتری می‌طلبد.

۱ همان‌طور که در صحبت‌های‌تان اشاره کردید، برخی از ارگان‌ها مقوله تنظیم‌گری را صرفاً در حد «نظارت» می‌بینند. در حالی که ساترا رویکردی بسیار فراتر از نظارت صرف دارد. یکی از چالش‌هایی که همواره میان ساترا و سایر نهادها در رسانه‌ها مطرح بوده، همین بحث مرزبندی وظایف و حوزه نظارت میان دستگاه‌ها، به‌ویژه به‌طور خاص میان «ساترا» و «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» است. خواستم این موضوع را مطرح کنم که هر چند این مرزبندی در کلام و روی کاغذ بسیار مشخص به نظر می‌رسد اما زمانی که در رسانه‌ها با نزاع‌ها و تعاریف مستقیم و غیرمستقیم ر‌اصد می‌کنیم، به نظر می‌رسد حداقل میان این دو نهاد مرزبندی‌ها چندان شفاف و مشخص نیست. می‌خواستم این مسأله را کمی بیشتر روشن و تبیین بفرمایید؛ چرا که ظاهراً مرزبندی مشخص است اما اگر این‌گونه است، پس منشأ این اختلاف نظر‌ها و اصطکاک‌ها کجاست؟

این مرزبندی میان حوزه‌های ورود ما و سایر دستگاه‌های فرهنگی، برای کسانی که واقعا متصفانه نگاه کنند، آیا قانونی دارد یا نه؟ آیا مقرره‌ای وجود دارد؟ آیا سند و دستور بالادستی وجود دارد یا نه؟ خیلی واضح است که وجود دارد و شما اسناد بالادستی دارید که با شفافیت این موضوع را روشن کرده‌اند.

این‌که ما نظر شخصی و نگاه شخصی خودمان را بر اسناد بالادستی ترجیح بدهیم، به نظر من درست نیست. احساس ما این است که متأسفانه این اسناد و قوانین، به‌نوعی و شاید حتی به عمد، نادیده

گرفته می‌شوند؛ وگرنه حوزه‌ها تفکیک شده‌اند. ممکن است اکنون ما درباره این‌که از ابتدا یا یک سند موافق بوده‌ایم یا نبوده‌ایم، اختلاف نظر داشته باشیم اما زمانی که یک سند تصویب شده و برای همه لازم‌الاجراست، باید آن را پذیرفت.

متأسفانه ما در کشور دستگاه‌های فرهنگی‌ای داریم که به‌رغم وجود

و شفافیت این اسناد و تعیین تکلیف دامنه و حوزه فعالیت هریک از دستگاه‌های فرهنگی، با وجود این‌که شعار شفافیت می‌دهند و بنا بر شفافیت دارند، متأسفانه در عمل این‌گونه رفتار نمی‌کنند.

ببینید، ما به غیر از آنچه در اصل ۴۴ قانون اساسی، اصل ۱۷۵ قانون اساسی و نظریه تفصیلی شورای نگهبان داریم که در دو، سه مورد و در مقاطع زمانی مختلف درباره این موضوع اظهار نظر شده، باید بالاخره این مسأله را حل کنیم که آیا نهاد‌های بالادستی کشور و احکامی که صادر می‌کنند، برای ما مورد تأیید لازم‌الاجرا هستند یا نه. ابتدا باید این مسأله را حل کنیم.

ظاهراً بعضی از بزرگواران خیلی به این موضوع اعتقاد ندارند. ممکن است در شعار و کلام این موضوع را قبول کنند اما در عمل ما این مسأله را نمی‌بینیم. نکته بعدی این است که در حوزه حقوق اساسی در

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛ ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته

شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود

کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما

اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛

ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه

کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی

که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان

است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی

کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های

مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که

برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته

شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود

کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما

اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛

ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه

کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی

که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان

است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی

کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های

مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که

برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته

شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود

کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما

اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛

ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه

کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی

که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان

است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی

کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های

مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که

برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته

شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود

کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما

اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛

ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه

کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی

که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان

است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی

کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های

مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که

برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته

شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود

کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما

اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛

ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه

کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی

که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان

است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی

کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های

مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که

برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شیوه ارائه خدمت به‌گونه‌ای عمل کند که حقوق اقتصادی مخاطب زیر پا گذاشته

شود، در اینجا قطعاً وظیفه ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر است که برای احیای حقوق مخاطب ورود

کنیم. موارد متعدد و مکرری نیز وجود داشته که مخاطبان از طریق سامانه ارتباطات مردمی ما

اعتراض کرده و گفته‌اند: «فلان سریال در فلان سکو ناگهان در میانه پخش متوقف شده است؛

ما هزینه اشتراک را صرفاً برای تماشای این سریال پرداخت کرده‌ایم، اکنون باید به کجا مراجعه

کنیم؟». در این شرایط، وظیفه ما این است که موضوع را تحقیق و بررسی کرده و به نهاد‌هایی

که «ضابط» هستند گزارش دهیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ در شرایط فعلی، به دلیل

ضرورت و فرآیندی که برای وضع، تدوین و تکامل برخی قوانین در حوزه فضای مجازی در جریان

است، ما باید از ضابطان رسمی کشور کمک بگیریم. به‌عنوان مثال، پرونده رایبه «سازمان بازرسی

کل کشور»، بخش‌های ذی ربط در «قوه قضاییه»، «سازمان امور مالیاتی» و سایر بخش‌های

مرتبط ارجاع می‌دهیم تا حقوق اقتصادی مردم در این فرآیند تضییع نشود و در قبال بهایی که

برای خدمات پرداخت کرده‌اند، خدمات را به‌صورت تمام و کمال دریافت کنند.

برنامه را از آن تماشای کند، بسیار مهم است. اگر در قبال مبلغی که مخاطب پرداخت کرده، نسبت

به یک سریال، فیلم یا هر محصول دیگری خلف وعده‌ای صورت گیرد ـ برای مثال، مخاطب سر

ساعت مقرر نشسته تا برنامه مورد علاقه‌اش را ببیند اما به هر دلیلی پخش نمی‌شود ـ یا اگر سکوی

ارائه‌دهنده در شی